



انسان بعد وقت غزه

صفحه ۲ را بخوانید

خبرخوان

شرکت دماوند انرژی عسلویه مسئول خدمات یوتیلیتی (برق، آب، هوا و خوراک) پتروشیمی های منطقه فاز دو عسلویه را بر عهده دارد و با توجه به مسدودیت حساب ها، این شرکت با مشکلات عدیده ای روبه روبرو شده است. که در صورت عدم رفع مسدودی حساب ها تولید این مجموعه با مشکل مواجه شده و شرکت های فاز ۲ پتروشیمی در ادامه تولید خود نیز با مشکل مواجه خواهند شد.



زیان ماهانه ۳۰۰ میلیون دلاری ایران از فروش نفت به چین

بهمن آرمان، تحلیلگر مسائل اقتصادی به پایگاه خبری «نفت ما» گفته: ایران در حالت تحریم در شرایطی با کشورهایی که حاضر به همکاری هستند، وارد داد و ستد تجاری می شود که به ناچار باید امتیازهایی را به خریداران بدهد مثلاً در بحث فروش نفت با چین تهران، طبق آمار رسمی در ماه حدود ۳۰۰ میلیون دلار به پکن تخفیف می دهد. یعنی پکن با علم بر محدودیت هایی که پیش روی ایران قرار دارد، به شرطی نفت از ما می خرد و راضی به تخفیف های کلان باشیم و از آنجایی که چین یکی از معدود راه های صدور نفت ایران است، به همین راحتی ماهیانه مبلغی گزاف را در این شرایط بد اقتصادی تخفیف می دهیم. تا مشخص شود، اقتصاد ایران از رویکرد تقابلی سیاست خارجی به طور دائم هزینه هایی جبران ناپذیر متحمل می شود. پس می توان به این نتیجه رسید، تجدیدنظر در سیاست خارجی بایدی است که نباید نادیده گرفته شود تا از شر هزینه سازی ها خلاص شویم. فشارهای بین المللی و همچنین سوءمدیریت و ... باعث شده تا مناسبات اقتصادی نوعی بی نظمی را تجربه کند. در حالیکه بودجه ۱۴۰۲ حدود ۶۶۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان از منابع تأمین هدفمندی یارانه ها محقق نشده است که این موجب می شود، برنامه های تعیین شده برای اجرایی شدن به مشکل بر بخورند. در واقع اگر می خواهیم گره های اقتصادی را باز کنیم، چاره ای جز این نداریم که مقدمات برچیده شدن تحریم ها را به هر شکلی که لازم است، فراهم کنیم.

تلاطم قیمت نفت در صورت فراگیر شدن بحران در غزه



علی اصغر زرگر کارشناس حوزه انرژی به اینا گفته: بستن تنگه هرمز و باب المندب و ناامنی در این مناطق؛ بحران جهانی ایجاد می کند که خواه ناخواه امریکا و غرب که وابسته به نفت و فرآورده های نفتی هستند وارد معرکه خواهند شد در عین حال اگر کوتاه مدت این اتفاق بیفتد در این شکی نیست که دنیا با کمبود حداقل ۲۵ درصد نفت روبرو خواهد شد و این اوضاع قیمت نفت را بشدت بالا خواهد برد. از قبل پیش بینی می کردند که در صورت وقوع درگیری قیمت نفت از مرز ۲۰۰ دلار در هر بشکه هم فراتر خواهد رفت.



بحران یوتیلیتی در عسلویه

شرکت دماوند انرژی عسلویه مسئول خدمات یوتیلیتی (برق، آب، هوا و خوراک) پتروشیمی های منطقه فاز دو عسلویه را بر عهده دارد و با توجه به مسدودیت حساب ها، این شرکت با مشکلات عدیده ای روبه روبرو شده است. به گزارش آژانس رویدادهای مهم نفت و انرژی «نفت ما»، با توجه به مسدود شدن حساب شرکت های متانولی و شرکت یوتیلیتی دماوند انرژی عسلویه و همچنین همکاری جدی و مثبت شرکت پتروشیمی دماوند برای وصل آب و یوتیلیتی شرکت ها متانولی، نیاز است که مدیران عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی و هلدینگ های پتروشیمی، نسبت به حل مشکل پیش آمده اقدام عاجل نمایند.

معضل کمبود نیروی انسانی در مدارس و احتمال افزایش بازماندگی از تحصیل

والدین دانش آموزان در شرایطی که آموزش و پرورش با کمبود معلم مواجه است، می گویند: خیلی از روستایی ها وقتی می بینند وضعیت تشکیل کلاس ها و مدرسه نابسامان است و بچه ها مدرسه می روند ولی معلم ندارند، ترجیح می دهند بچه هایشان را به مدرسه نفرستند تا لااقل در خانه به مادرشان کمک کنند، قالی ببافند، به دام ها رسیدگی کنند یا در کشاورزی همراه پدرشان سرزمین بروند. به همین راحتی به دلیل نبود معلم سر کلاس، بچه های روستایی بازمانده از تحصیل می شوند و وقتی یک سال دانش آموز مدرسه نرود هم خودش و هم خانواده به مدرسه نرفتن او عادت می کنند. به گزارش ایلنا، آمارها می گوید هم اکنون حدود ۳۰۰ هزار کمبود معلم در کشور وجود دارد و آزمون استخدامی برگزار شده هم هنوز نتوانسته این کمبود را جبران کند. البته این آزمون حواشی زیادی داشت؛ از اعلام نتیجه نهایی آزمون آموزگاری در دقیقه ۹۰ یعنی در تاریخ ۳۰ شهریورماه تا بلا تکلیف نگه داشتن بخش قابل توجهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزگاری ابتدایی و استثنایی که حدنصاب علمی آورده اند، در واقع قبول شده اند، ولی از منظر گزینش اصلح نیستند و صلاحیت معلمی ندارند! این افراد باید مجدداً گزینش شوند در حالی که با توجه به داشتن نمره قبولی و کسب حدنصاب علمی می توانستند در این شرایط کمبود معلم به یاری آموزش و پرورش بیایند.

اینکه اخبار کمبود معلم را تنها از این نظر که موجب عقب ماندن دانش آموزان از بودجه بندی درسی می شود نگران کننده بدانیم، لایه سطحی ماجراست، در حالی که کمبود معلم یعنی مواجه دانش آموزان با کلاسی که آموزش دهنده ای ندارد، در نتیجه بی انگیزگی عده ای از دانش آموزان از ادامه تحصیل، جدایی مجدد بازماندگان از تحصیل از مدرسه و بازگشت به فضای کار و ترک تحصیل دوباره و... طبیعتاً نمره چنین روندی، تنها دور شدن دستگاه تعلیم و تربیت کشور از همین عدالت آموزشی نصفه و نیمه ای است که در تلاش برای تحقق آن هستیم.





انسان به وقت غزه

افق اقتصاد- این حال امروز انسان است. صحنه‌ی غزه محل نمایان شدن خصوصیات مختلفی از انسان معاصر است. تجربه توأمان سعیت، بی‌رحمی، حرص و ویرانی در کنار بی‌دفاعی و کشتار و درد فقدان. نگاه تبعیض‌آمیز رسانه‌های غربی به آنچه در غزه می‌گذرد چیز جدیدی نیست فقط ابعاد آن تا این حد برای همگان روشن نشده بود. غزه فرصتی شد تا هر چه بیشتر عیان شود که منظور از «حقوق بشر» در رسانه‌های غربی و میان دولتمردان پرمردعای «جهان مدرن» چیست: آنچه منافعشان اقتضا می‌کند می‌تواند حدود حقوق بشر را هم تعیین کند!

در حالی که رسانه‌های پرمردعای پر زرق و برق چند روز به دنبال نخود سیاه اثبات مبدأ موشک‌هایی بودند و هستند که بیمارستان مسیحیان غزه را هدف قرار داده؛ دولت رژیم اسرائیل آشکارا و با خیال راحت در روزهای بعد «با اعلام قبلی» بیمارستان و مسجد را بمباران می‌کند! همین قدر تلخ و تهوع‌آور و البته مضحک!

بزرگترین زندان جهان!

غزه را بزرگترین زندان جهان می‌نامند. غزه در محاصره کامل است. تنها تعداد کمی از افراد اجازه ورود و خروج به غزه را دارند. به گزارش دیپلماسی ایرانی، به طور رسمی، رژیم صهیونیستی فقط به افرادی مجوز می‌دهد که در دسته‌های زیر قرار می‌گیرند: موارد پزشکی و بشردوستانه، دانشجویان دارای بورس تحصیلی در خارج از کشور (که برای عبور از سرزمین‌های اشغالی در مسیر خود به کشور ثالث نیاز به کنسولگری کشوری که به آنجا سفر می‌کنند برای درخواست خروج و در برخی موارد اسکورت دارند)، افراد دارای تابعیت صهیونیستی، تعداد اندکی از کارگران روزمزد، کارکنان سازمان‌های بین‌المللی، دیپلمات‌ها و اعضای مطبوعات خارجی. این‌ها هم همه بستگی به تایید رژیم صهیونیستی یا شرایطی چون سن و غیره دارد که همه آن‌ها هم به شکل خودسرانه توسط صهیونیست‌ها مشخص می‌شود و دائما تغییر می‌کند. حتی امکان خروج برای موارد پزشکی اورژانس هم سخت، زمان بر و بعضا غیر ممکن است. نه می‌توان وارد غزه شد و نه می‌توان از آن خارج شد. نه حتی می‌توان با آرامش در داخل آن حرکت کرد! غزه در آتش منجمد شده است! این شرایط بدتر از زندان است. خانواده‌هایی که اعضای آن در غزه و کرانه باختری از هم دور افتاده اند سال‌ها نوانسته‌اند همدیگر را ملاقات کنند.

بیکاری در غزه بیداد می‌کند!

آب که نباشد، کشاورزی هم نیست و کشاورزی هم که نباشد شغل کافی نیست. بیکاری در غزه بیداد می‌کند! ۶۵ درصد از جمعیت غزه را افراد زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهد. این در حالی است که ۴۶ درصد از جمعیت در سن کار بیکار است. ۸۰ درصد از کل جمعیت در زیر خط فقر است. از هر پنج نفر هم سه نفر امنیت غذایی ندارد به این معنی که به مواد غذایی کامل برای یک زندگی سالم دسترسی ندارند. نه شغل کافی هست و نه غذایی برای خوردن. عین

هم در حین اعتراضات نیست که صهیونیست‌ها از این ماشین‌ها استفاده می‌کنند. بعضی شب‌ها، ماشین‌های آب فاضلاب پاش در محله‌های فلسطینی به حرکت در می‌آیند و بر روی خانه‌ها و مغازه‌های فلسطینیان آب بدبو می‌پاشند. بخاطر همین هم کسب و کار برای چندین روز تعطیل می‌شوند. خانواده‌ها هم مجبور می‌شوند تا به طور موقت به جای دیگری کوچ کنند و بعد از چند روز که اثر ماده شیمیایی کم‌تر شد به خانه‌هایشان باز می‌گردند.

«مراسم تحقیر»!

این‌ها تمامی تحقیر فلسطین و فلسطینیان نیست. موارد بی‌شماری از تحقیر مستقیم فلسطینیان توسط صهیونیست‌ها ثبت شده است. در یکی از این موارد که میدل ایست مانی‌تور به آن پرداخته، داستان شخصی به اسم مازن از اهالی فلسطین بازگو می‌شود: وقتی که مازن در حال برگشت از کار بوده، توسط سه سرباز صهیونیست نگه داشته می‌شود تا مجبور به سرگرم کردن آن‌ها در «مراسم تحقیر» شود. نظامیان صهیونیست هم بعد از عریان کردن این مرد فلسطینی وی را کتک می‌زنند و به مادر، خواهر و همسر وی با ذکر نام آن‌ها توهین می‌کنند. در آخر هم صهیونیست‌ها مازن را مجبور می‌کنند که این توهین‌ها را با صدای بلند تکرار کند تا جایی که وی به گریه می‌افتد و همین هم سرانجام باعث خنده صهیونیست‌ها می‌شود. در موردی دیگر، سربازان صهیونیست به زندان هجوم می‌برند و زندانیان فلسطینی را عریان کرده و از آن‌ها عکس می‌گیرند. بعدا هم این عکس‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند تا فلسطینیان را تحقیر کنند. در شبکه‌های اجتماعی، موارد متعددی از سربازان زن صهیونیست وجود دارد که آن‌ها را در کنار پیرمردان زندانی در حالی که دستبند به دست و چشم‌بند به چشم دارند و در برخی موارد هم عریان هستند نشان می‌دهد. همان پیرمردانی که پدر، پدربزرگ و بزرگ‌طایفه خودشان هستند و برای خود اسم و رسمی دارند این گونه در مقابل خانواده، دوستان و آشنایان خود تحقیر می‌شوند.

«زنان هبرون»

در پرونده‌ای دیگر معروف به «زنان هبرون» سربازان صهیونیست با سگ‌های ارتش به خانه‌ای هجوم می‌برند و پس از دستبند زدن به همه اعضای خانواده از جمله کودکان، پنج مادر را در مقابل فرزندان خود و در خانه خود عریان می‌کنند و مجبور می‌کنند که از یک اتاق به اتاق دیگری، سراسر خانه را همراه سربازان بروند، در حالی که بقیه سربازان مشغول دزدیدن جواهرات در دیگر اتاق‌ها بودند. فقط چندین مورد از حملات انتقام‌آمیز مسلحانه فلسطینیان علیه اشغالگران صهیونیست مربوط به همین ماجرای تحقیرآمیز، غیرانسانی و دیوانه‌کننده زنان هبرون بوده است.

این تحقیرها برای فلسطینی که روزگاری از اولین ماشین‌های چاپ دنیای عرب را در خود جای می‌داد و جمعیت آن به آگاهی معروف بودند آن چنان سخت است که بعضا از مرگ هم بدتر است. بسیاری از فلسطینیان

ترجیح می‌دهند تا حرفی از این تحقیرها نزنند تا مگر آبروی شان حفظ شود. مردمی که روزگاری با جایگاه بیت المقدس و قبله اول مسلمانان فخر می‌کردند حالا بزرگانشان با چشم‌بند وسیله سرگرمی می‌شوند، زنان شان عریان می‌شوند و کودکان شان چون تبهکاران بادستبند به پاسگاه اشغالگران برده می‌شوند.

نقض حقوق کودکان در غزه و ناکارآمدی حقوق بین‌الملل بشر

محمد مهدی سیدناصری، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان در دیپلماسی ایرانی نوشته: در ۱۹ آگوست ۱۹۸۲ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در جلسه ویژه اضطراری خود در مورد مساله‌ی فلسطین، وحشت‌زده از تعداد زیاد کودکان بی‌گناه فلسطینی و لبنانی که قربانی اقدامات نظامی اسرائیل بودند، سخن گفت و تصمیم گرفت ۴ ژوئن هر سال را به عنوان «روز جهانی کودکان بی‌گناه قربانی مخاصمات» نامگذاری کند. این تصمیم، نشان از اجماعی جهانی در مورد الزام توجه ویژه، حمایت و تلاش هماهنگ جامعه‌ی جهانی برای رسیدگی به آسیب‌پذیری‌ها و تخلفاتی است که کودکان در موقعیت‌های مربوط به درگیری با آن روبه‌رو هستند.

در دهه‌ی ۹۰ میلادی و با ورود جهان به عرصه‌ی جنگ‌های جدید که با گسترش جنگ‌های قومی همراه بوده است، حمایت از حقوق کودکان افزایش یافت و حمایت بین‌المللی در این زمینه از جمله در قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به مجموعه‌ای از سازوکارهای بین‌المللی منجر شد. اما با وجود همه‌ی این اقدامات، سؤال این است که چرا بشر در عصر انقلاب تکنولوژی کماکان شاهد صدمات به کودکان فلسطینی و دیگر کشورهای درگیر محاصره است؟ منظور از کودک به استناد اکثر اسناد حقوق بشری، شخصی است که به سن ۱۸ سالگی نرسیده است. همان طور که کنوانسیون حقوق کودک در ماده‌ی ۱ خود اشعار می‌دارد: «از نظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجراء در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.» مباران بی‌امان مناطق مسکونی و با قطع برق در غزه، بیمارستان‌ها بی‌برق می‌مانند و نوزادان در انکوباتورها و بیماران سالمند در اتاق‌ها بدون دسترسی به اکسیژن در معرض خطر قرار می‌گیرند. خانواده‌ها در غزه در حال حاضر برای دسترسی به آب سالم با مشکل مواجه هستند. هیچ پدر و مادری دوست ندارد مجبور شود به کودک تشنه‌اش آب آلوده بدهد. اقدامات روا داشته توسط رژیم صهیونیستی به کودکان در غزه تماما نقض کلیه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر است. ظلم بزرگی به ملت فلسطین رفته و این روزها نتایج یکی از پرده‌های ظلم را مشاهده کرده و رژیم اسرائیل، یک زندان بزرگ دووونیم میلیون نفری در فضای باز ایجاد کرده و سوال قابل‌تاملی که پیش می‌آید این است که چه بر سر بشریت آمده که از کشتار انسان‌ها خوشحال می‌شوند؟

آنچه به نفع ماست درست است!



الکساندر دوگین | فیلسوف و مشاور ولادیمیر پوتین

الکساندر دوگین، فیلسوف روس و از مهم‌ترین مشاوران ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه، روز ۱۰ اکتبر در

یادداشتی در پایگاه اینترنتی «باشگاه ایزنبروسک» به تحلیل عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای جهانی آن پرداخت.

فرازهایی از متن ترجمه این یادداشت رابه نقل از وبسایت «سیاق» در ادامه می‌خوانیم:

جهان چندقطبی در حال تقویت و شدت هژمونی غرب در کشورهای غیر غربی در حال تضعیف است. متحدان غرب در جهان اسلام - در درجه اول ترکیه و سعودی - از هر دستور واشنگتن پیروی نمی‌کنند. در چنین شرایطی است که قطب اسلامی که اخیراً به بریکس پیوسته، آزمون خود را پس خواهد داد. البته این درگیری ممکن است به مناطق دیگر نیز گسترش یابد. ممکن است ایران و حزب الله به آن کشیده شوند که به معنای انتقال احتمالی عملیات نظامی به سرزمین‌های لبنان و سوریه است. در خود اسرائیل تعداد زیادی فلسطینی وجود دارند که از یهودیان متنفرند، همه اینها می‌تواند عواقب غیر قابل پیش‌بینی داشته باشد.

به نظر من، ایالات متحده و طرفداران جهانی شدن اکنون تلاش خواهند کرد تا همه چیز را آرام کنند، زیرا آنها نمی‌توانند از تشدید بیشتر این واقعه نتیجه خوبی بگیرند. غرب هم هر زمان که برایش مفید باشد وحدت ارضی را به رسمیت می‌شناسد و هم هر زمانی که وحدت ارضی برای سودی ندارد، حق جدایی طلبی ملت‌ها را. از نگاه غربی‌ها قانونی در کار نیست؛ «در واقع ما باید به همین شکل با این موضوع برخورد کنیم چرا که آنچه به نفع ماست

درست است.» در مناقشه اسرائیل و فلسطین، حداقل در حال حاضر برای روسیه دشوار است که فقط یک طرف را انتخاب کند. هر پیکربندی مزایا و معایبی دارد. روابط قدیمی با فلسطینی‌ها وجود دارد و آنها البته قربانی هستند. اما جناح راست اسرائیل نیز به دنبال اتخاذ یک سیاست بی‌طرف دوستانه در قبال روسیه است و با این کار از روسوفوبیای وحشیانه و بدون ابهام غرب جمعی متفاوت می‌شود.

اوضاع اکنون به چگونگی رخدادهای بعدی بستگی دارد. البته نباید از ابعاد آخر زمانی حوادث غافل شد. فلسطینی‌ها عملیات خود را «طوفان الاقصی» نامیدند، یعنی تنش دوباره در اطراف بخش مسیحایی اورشلیم (که تصمیم اسرائیل برای ساخت معبد سوم در کوه معبد بدون تخریب مسجد الاقصی، زیارتگاه مهم مسلمانان غیر ممکن است) در حال افزایش است. فلسطینی‌ها سعی می‌کنند حساسیت آخر زمانی مسلمانان - هم شیعیان که همیشه نسبت به این موضوع حساس‌تر هستند و هم سنی‌ها (بالاخره، انگیزه‌های پایان جهان و نبرد نهایی برای آنها بیگانه نیست) را شعله‌ور کنند. اسرائیل و صهیونیسم برای مسلمانان به منزله دجال

است. تا چه حد این جدی است، به زودی خواهیم دید. اما در هر صورت، واضح است کسانی که ابعاد آخر زمانی را نادیده می‌گیرند، از سیاست مدرن چیزی نخواهند فهمید، به ویژه در خاورمیانه که این امر در آنجا آشکارتر است. یهودیان در اسرائیل از همان ابتدا روی انبار باروت نشسته‌اند. اگر این واقعیت در این شرایط بحرانی تایید نشود، نه تنها اسرائیل، بلکه بسیاری چیزهای دیگر فرو خواهد پاشید. آیا طوفان الاقصی به اندازه کافی بحرانی است؟ هنوز مشخص نیست.

توجه تروریست‌های نازی در کی‌یف منحرف شده است. وقت آن است که ما اقدام کنیم. آغاز تهاجم جسورانه حماس علیه اسرائیل ممکن است «رویداد قوسیه» باشد که توازن قدرت را در بازی جهانی تغییر دهد. همه تا حدودی در سکون هستند و این انفجار تنش را از بین می‌برد. ۵۰ سال پس از جنگ‌های اعراب و اسرائیل، این نیز بخشی از جنگ‌های پیوسته است.

در مورد سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل چه باید گفت آیا نوشدارو خواهد بود؟ دریای خشمگین عرب کجا خواهد رفت؟ مهم‌ترین چیز این است که ایالات متحده قطعانه در رسیدن به رهبری جهانی شکست

خورده است. اتحاد جماهیر شوروی وجود ندارد. هیچ کس، حتی اگر می‌خواست، نمی‌توانست به یهودیان و اعراب بگوید که آرام باشند. بیابید تصور کنیم که اسرائیل به همراه غرب جمعی، جنگی گسترده علیه اسلام آغاز می‌کند. اما روسیه، چین، هند در بریکس هستند و آنها قطعاً بی‌چون و چرا از غرب پیروی نخواهند کرد و خودشان عمل می‌کنند بنابراین نخ هر کجا نازک باشد، آنجا پاره می‌شود. پس از شروع عملیات نظامی، ما مطمئناً می‌دانیم که نخ در کجا نازک است و در این صورت نتیجه می‌گیریم؛ حالا نوبت بقیه است. نخ‌بگان روسی اکنون دارای منظره‌ای فوق‌العاده هستند.

این شامل یک سوم ضد صهیونیست‌هایی است که از قیام فلسطین خوشحال می‌شوند. یک سوم طرفدار صهیونیست هستند، زیرا جناح راست اسرائیل با پوتین و عملیات ویژه نظامی مدارا می‌کند. آنها به سمت اسرائیل می‌شتابند. یک سوم طرفداران جهانی شدن حامی بایند هستند، اما اصلاً مشخص نیست که آنها باید چه بگویند و چه کار کنند. بالاخره سوروس علیه اسرائیل است و آنها طرفدار سوروس هستند (تقریباً). کدام خط برنده خواهد شد؟ می‌تواند هر سه در همان زمان معمول باشد.

گزارش

تب اوکراین برای غرب سرد شده است؟

کی‌یف بازنده در سایه طوفان الاقصی



علی ودایج | دکترای روابط بین‌الملل

تسلیمات مورد نیاز اسرائیل را سریع‌تأمین کند؟ پاسخ محموله‌های تسلیحاتی غرب برای جنگ اوکراین است. در شرایطی که زرادخانه صهیونیستی در وضعیت هشدار قرار داد، نیاز حیاتی اسرائیل با گذشت زمان به شکل تصاعدی افزایش پیدا خواهد کرد و این یک دغدغه بزرگ برای آنهاست. آغاز جنگ زمینی در غزه یا احتمال گسترش میدان جنگ با ورود حزب الله با توجه به بحران تسلیحاتی به شکل گیری یک محمضه بزرگ برای تل‌آویو منجر می‌شود.

سقوط اهمیت اوکراین

مساله داخلی بایند در میان مولفه‌هایی که پیرامون طوفان الاقصی را نباید نادیده گرفت. درگیری این روزها بین فلسطینی‌ها و رژیم اشغالگر قدس یک‌اره در گلولی رئیس جمهوری آمریکا است. کاخ سفید به هر قیمتی تلاش می‌کند سطح تنش‌ها را فریز کند تا یک راه چاره از کانال برخی شرکای عربی پیدا کند اما تل‌آویو باز زرادخانه خالی یک مصیبت بزرگ برای پنتاگون است. اگر بگویم که در میز ناتو و ژنرال‌های آمریکایی محمضه طوفان الاقصی به کناره رفتن مساله اوکراین منجر شده است؛ اشتباه نکریم.

رفتارشناسی «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهوری اوکراین در حمله علیه حماس برای دل اسرائیل نشان دهنده عمق نگرانی‌های کی‌یف درباره وضع پیش آمده است. زلنسکی کاسه داغ‌تر از آتش طوفان الاقصی بر خلاف موضع کاخ سفید، بر مشارکت مستقیم ایران در عملیات حماس سماجت می‌ورزد. پرخاشگری اوکراین آنچنان تند است که «دمیترو کولیا» وزیر امور خارجه اوکراین با ادبیات تندی می‌گوید که «آلمان هرگز در قبال اوکراین احساس

ضربه سنگین حماس به اسرائیل و ماجراهای خونین غزه تیتیر یک رسانه‌های جهان را در مشت خود گرفته است. جامعه جهانی به دنبال کنترل جنون «بنیامین نتانیاهو» و جلوگیری از کشتار در غزه و یک فاجعه بزرگ در خاورمیانه است. در میان زد و خورد‌های فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی، شرکای غربی از جمله آمریکا و اعضای ناتو، تأمین تسلیحات و ایجاد چتر حمایتی برای اسرائیل را در دستور کار قرار داده اند. حضور ناوگروه هواپیماهای آیزنهاور و ناوگروه هواپیماهای یواس اس جرالده فورد در شرق دریای مدیترانه نشان دهنده اوج استرس واشنگتن درباره تحولات غزه است.

واشنگتن به عنوان متحد سنتی و راهبردی اسرائیل خود را موظف می‌داند که به هر قیمتی و در هر اندازه ای که لازم باشد به رژیم صهیونیستی کمک کند. در تبادل آتش میان اسرائیل و حماس، بخش بزرگی از زرادخانه صهیونیستی مصرف شده است. شاید تا اینجای کار مساله خاصی به نظر نرسد اما نکته اینجاست که در بجموحه جنگ اوکراین، آمریکا ناچار به انتقال بخشی از ذخایر استراتژیک برای جنگ با روسیه شد.

یک حساب و کتاب ساده مبتنی بر مجموعه داده‌های فاش شده، نشان می‌دهد که زرادخانه اسرائیل احتمالاً در مرز هشدار قرار گرفته است. «لوید آستین» رئیس پنتاگون به اسرائیل وعده داده که در مدت چند روز تل‌آویو هر آنچه نیاز دارد، در اختیارش قرار دهد. اما سوال بنیادین اینجاست که واشنگتن از کجا و چگونه می‌تواند موشک و



گناه نکرده است. آلمان باید بداند که به ما بدهکار است. من سعی می‌کنم حس مسئولیت را در آلمان‌ها بیدار کنم. آلمان در قبال ما احساس مسئولیت نمی‌کند و ظاهراً چنین چیزی را فقط در برابر مردم یهودی و روسیه رعایت می‌کند. «بوریس پیستوریس» وزیر دفاع آلمان، اظهارات کولیا را «خارج از عرف» توصیف و خاطر نشان کرد که آلمان پس از آمریکا دومین اهداکننده سلاح به اوکراین است. این بگومگو بین کی‌یف و سران ناتو اتفاق تازه ای نیست. در جریان نشست تابستانه پیمان آتلانتیک شمالی ناتو در ویلنیوس لیتوانی هم با تحقیر علنی زلنسکی در عکس یادگاری همراه شد.

زلنسکی با بازی انتحاری در ضدحملات بهاره تلاش می‌کرد سران ناتو را برای پذیرش اوکراین مجاب کند که جواب منفی شنید. از همان زمان، بحث درباره ریخت و پاش هزینه‌های جنگ با روسیه و لزوم کنترل سطح تنش یا کرملین مبتنی بر نظرات «هنری کیسینجر» مطرح شد.

معدلات اخیر جنگ اوکراین تا پیش از طوفان

الاقصی بیشتر پیرامون مباحث مالی و نوع تسلیحات برای کی‌یف بود اما حالا کل ماجرا به دلیل فوریت اسرائیل زیر سوال رفته است. امروز اوکراین احساس می‌کند که یک بازنده بزرگ در سایه طوفان الاقصی است که در جنگ با روسیه تنها رها شده است.

نکته جالب اینجاست که ظرف روزهای اخیر نوع تحرکات ارتش روسیه تغییر کرده است. از یک طرف، مسکو مبتنی بر استراتژی جنگ زمستانه در حال ذخیره سازی موشک در زرادخانه‌های ارتش سرخ است. از طرف دیگر، روسیه از بلبشوی اطاق فرماندهی ناتو دنبال بهره‌برداری در جهت تغییر استراتژی است.

به حاشیه رانده شدن اوکراین از سرخط رسانه‌های جهان توسط طوفان الاقصی اتفاقی است که تنها ارزش خبری کی‌یف را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه تب‌غرب درباره جنگ با روسیه را سرد می‌کند. این وضعیت، حجم تنهایی اوکراین را بزرگ و بزرگ‌تر خواهد کرد تا عمر مصرف زلنسکی هم‌روبه پایان باشد.

دیپلماسی ایرانی

وقتی دست به فورواردمان خوب است!



مجیدی لشکری بلوکی | استراتژیست

ما دست به فورواردمان خوب است. احتمالا شما هم. اگر فساد در نظام بانکی، ناکارآمدی در آموزش و پرورش و بیای تدبیری در نظام سلامت رخ دهد بلافاصله می‌خوانیم و آن را برای دیگران به اشتراک می‌گذاریم. اما اگر فرزندان ما بپرستند برای ایران چه کردید چه می‌گوییم؟ می‌گوییم روزی یک ساعت در شبکه‌های اجتماعی مطلب فوروارد می‌کردیم؟

موسسه بر کانا از سال ۱۹۹۱ (حدود ۲۲ سال) با هیران و کنشگران تغییر در تعامل است. این موسسه معتقد است برای آنکه وضعیت مطلوب رقم بخورد و سیستم جدید جوانه بزند و سیستم قبلی را به کنار بزند، دست کم چهار کار اصلی باید انجام شود.

نویابی و شناسایی: افراد ناآوار به صورت ناشناخته عمل می‌کنند، غافل از اینکه کارشان ارزش وسیع‌تری دارد. آن‌ها آنقدر مشغول هستند که به گسترش کارشان فکر نمی‌کنند، و متواضع‌تر از آن هستند که فکر کنند دیگران از آن سود می‌برند. اولین اقدام این است که آنها را به عنوان پیشگامان با تجربیاتی که برای دیگران ارزشمند است، بشناسیم. [مثال استارت‌آپ دانشگاهی را در خاطر بیاورید که روی بازیافت زباله الکترونیک کار می‌کند.]

پیوندیابی و شبکه‌سازی: زندگی جمعی از طریق ارتباطات و روابط رشد می‌کند و تغییر می‌کند. بعد از کشف در این افراد هم‌دگر آید می‌کنند و به پیشگام‌ها می‌پیوندند. در این مرحله جوامع و شبکه‌های کنشگر شکل می‌گیرند. ما می‌توانیم ارتباطات را به روش‌های مختلف ایجاد کنیم: طراحی و تسهیل گروه‌های اجتماعی، میزبانی شبکه‌هایی که مردم می‌توانند تبادل نظر و منابع و غیره. [در همان مثال بالا استاد دانشگاهی

که تیم استارت‌آپ را به تیمی که ایده مشابهی داشته‌اند و به شهرداری یکی از مناطق متصل می‌کند]

پشتیبانی و تغذیه: جوامع و شبکه‌کنشگران به منابع مختلف زیادی نیاز دارند: ایده، مربی، فناوری، تجهیزات، پول. هر کدام مهم هستند، اما مهم‌ترین آنها یادگیری و آگاهی است: دانستن اینکه چه شیوه‌هایی به خوبی کار می‌کنند. رهبران پیشگام نیاز دارند و می‌خواهند تا شیوه‌ها، تجربیات و رویاهای خود را به اشتراک بگذارند. [در مثال بالا سرمایه‌گذاری پیدا می‌شود که روی این قضیه سرمایه‌گذاری جسورانه کند و به خاطر تجربیات قبلی اش از تعامل با استارت‌آپ‌های قبلی تیم را تقویت می‌کند و یک مدیر اجرایی را به تیم اضافه می‌کند]

روشنگری و روایتگری: دیدن کار بر اساس پارادایم متفاوت برای آدم‌ها متفاوت است. اگر مردم متوجه چنین کاری

شوند، اغلب به عنوان «انحراف از هنجار الهام بخش» یا «انحراف مثبت» استقبال می‌کنند و اینجاست که مردم به سیستم‌های جدید می‌پیوندند و سیستم‌های قبلی عملاً متروکه می‌شوند. [این ایده در شبکه‌های روابط شخصی و خانوادگی و سپس شبکه‌های اجتماعی سینه‌به‌سینه نقل می‌شود تا اینکه تبدیل به یک سیستم جدید می‌شود.]

تجویز راهبردی: برای خلق موقعیت مطلوب چه نقش‌هایی می‌توانیم بازی کنیم؟

بر اساس آموزه‌های موسسه بر کانا برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نقش‌های زیر وجود دارد:

پیشگامان (خط شکنان): افرادی که شهامت تجربه ورزشی، سعی و خطا، آزمایش کردن آینده را در امروز دارند.

شبکه‌سازان (رابطان): کسانی که روابط را در سیستم جدید تقویت می‌کنند، به طوری که می‌توانند آنقدر قوی باشد که در برابر حملات سیستم قدیمی مقاومت کند.



پرستاران (مراقبان): افرادی که دلسوزانه در سیستم‌های در حال فروپاشی باقی می‌مانند و باقی ماندگان را برای گذار به سیستم‌های جدید در حال ظهور راهنمایی می‌کنند.

روایت‌گران (مبلغان): افرادی که داستان‌های سیستم نوظهور را تعریف می‌کنند تا دیگران بتوانند آن‌ها را ببینند و در مورد آینده خود انتخاب‌های عاقلانه‌تری داشته باشند. یکی از کارهای این‌ها شناسایی و معرفی موفقیت‌های اولیه پیشگامان است.

محافظان (حامیان): کسانی که موقعیت امنی در سیستم قدیمی دارند، اما از آن برای ایجاد یک پناهگاه محافظ برای روش جوانه‌های شکننده سیستم جدید استفاده می‌کنند.

تغذیه‌کنندگان (پشتیبان): کسانی که حمایت مالی، معنوی، فناوری، اداری، مدنی می‌کنند و شبکه‌های اقدام را تغذیه می‌کنند.

خیال همه ما را تحت؛ اگر تا صد سال دیگر همه ما از نقش کلاسیک فوروارد کنندگان به یکی از این نقش‌های شش‌گانه تغییر موقعیت ندهیم وضعیت عوض نخواهد شد. دقت کنیم قرار نیست همه ما، همه نقش‌ها را بازی کنیم. و حتما هم نقش ما در تغییرات یکسان نیست. ممکن است در تغییر نظام بانکی، جزو روایت‌گران باشیم و در نظام آموزشی جزو پشتیبان‌ها. حتی اگر داخل سیستم هستید و دست‌تان برای پیشگامی و روایتگری بسته است می‌توانید نقش محافظ و پرستار را بردارید. دست کم باید یک نقش را بازی کنیم، و گر نه صحبت از توسعه ایران حرف مفت است!

کانال شخصی نویسنده: تیتراز افق اقتصاد

زندگی در تهران چقدر هزینه دارد؟

(پسارکوی تو تجریش، جردن تا میرداماد، همت، جلال، امام علی و...)

هزینه تفریحات در تهران

قیمت رستوران در تهران با سایر شهرها قابل قیاس نیست؛ برای دو نفر یک وعده غذای معمولی حدود ۵۰۰ هزار تومان و یک کافه رفتن حداقل ۲۵۰ هزار تومان هزینه خواهد داشت. تله کابین توجال برای هر نفر ۱۰۰ هزار تومان و بازدید از برج میلاد ۱۳۰ هزار تومان هزینه دارد. یک فنجان چایی ساده هم در در کرایتان صد هزار تومان هزینه دارد.

جمع‌بندی:

زندگی متوسط در تهران برای یک خانواده سه نفره که جای متوسط شهر زندگی می‌کنند و مدرسه دولتی می‌روند و از حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند و ماهیانه دو شب هم به تفریح می‌روند حدود ۶۰۰ الی ۸۰۰ دلار (حدود ۳۵ میلیون تومان) هزینه خواهد داشت. البته اگر بخواهید در مناطق خوب زندگی کنید و برای تفریح به باشگاه انقلاب بروید و آخر هفته در لواسان یا کردان ویلا کرایه کنید و برای شام به رستوران‌های لوکس بروید، باید این هزینه‌ها را چندین برابر کنید.

چرا با وجود این همه آلودگی، ترافیک و گرانی باز هم حدود ده میلیون نفر در تهران ساکن هستند؟

جواب ساده است؛ چون بهترین‌ها در تهران هستند. (بهترین دانشگاه، مراکز خرید، بیمارستان، متخصصین و...) از طرفی تمام ارگان‌های دولتی هم در تهران است، این عدم تخصیص منابع تهران را با بحران دچار کرد.

حقوق ۲۵ میلیون تومان (۵۰۰ دلار) در تهران حقوق بالایی محسوب می‌شود، ولی برای مخارج حداقلی هم کم است. این دستمز در مقابل هزینه‌ها فراقار دهید.

تاکسی ۵ هزار تومان است. با فرض این که شما روزانه برای رفتن به سر کار یا دانشگاه بخواهید از منزلتان تا مترو یا brrt یک کورس تاکسی سوار شوید و هنگام بازگشت از سر کار هم همین هزینه را پرداخت کنید، روزانه حدود ۲۰ هزار تومان و ماهیانه حدود ۵۰۰ هزار تومان (۱۰ دلار) هزینه خواهید داشت. که اگر تحمل شلوغی‌های مترو را نداشته باشید و بخواهید از اسنپ و تپسی استفاده کنید باید ماهیانه حدود پنج میلیون تومان (۱۰۰ دلار) هزینه کنید.

وضعیت خودرو در تهران

هر چند قیمت خودرو در کل کشور یکسان است ولی بیابید قیمت خودرو در تهران را با سایر کشورهای همسایه مقایسه کنیم تا متوجه میزان گرانی خودرو در تهران بشویم: تویوتا و هیوندای ۲۰۱۶ کار کرده در تهران چند برابر مدل صفر ۲۰۲۳ در سایر کشورها قیمت دارد. کیفیت خودرو داخلی هم که نیازی به بحث ندارد، هنوز سمنند ۲۰ سال پیش با همان شکل و کیفیت تولید می‌شود. واردات هم در انحصار چین است. (آریزو ۶ در تهران از کمتری ۲۰۲۳ امارات گران‌تر است)

هزینه فرصت‌زمان در تهران

اگر بخواهید ساعت ۷ صبح از سمت غرب به مرکز تهران بیابید، اگر خیلی خوش شانس باشید و ترافیک قفل نشده باشد برای مسیر ده دقیقه‌ای، باید حداقل ۴۰ دقیقه زمان سپری کنید و در حالت تصادف یا بارندگی باید این زمان را دو برابر کنید.

در ساعت ۴:۲۰ عصر که کارمندان تعطیل می‌شوند هم این ترافیک را مجدداً تجربه می‌کنید، ضمن این که بعضی مکان‌ها در هر ساعت از شبانه‌روز ترافیک سنگینی دارند

پوریا بختیاری

بسیاری از افراد که در تهران زندگی نمی‌کنند، تهران را یک آلمان شهری می‌بینند که در آن می‌توان به همه آرزوها رسید و زندگی لوکسی را تجربه کرد. ولی واقعیت چیز دیگری است، زندگی در تهران آن قدرها هم لذت بخش نیست و هزینه‌های زندگی در این کلان‌شهر بسیار زیاد است، در این مطلب قصد داریم همین موضوع را با هم بررسی کنیم و ببینیم واقعا هزینه زندگی در تهران چقدر است؟

خرید مسکن در تهران

خرید مسکن در تهران به یک رویا تبدیل شده است. میانگین قیمت هر متر مربع در تهران حدود ۷۵ میلیون تومان است که با دلار ۵۰ هزار تومانی معادل ۱۵۰۰ دلار می‌شود. با فرض این که شما یک کارمند معمولی باشید اگر بخواهید یک آپارتمان ۷۵ متری در جای متوسط شهر بخرید و برای این کار ماهیانه ۳۰ درصد خالص درآمدتان را پس‌انداز کنید، باید ۱۸۷ سال کار کنید و منتظر بمانید. البته با فرض این که ارزش پس‌اندازتان افت پیدا نکند.

وضعیت اجاره‌بهدار تهران

به‌طور میانگین در تهران رهن کامل هر متر مربع ملک مسکونی ۱۸۰ دلار است که اگر به اجاره تبدیل کنیم، اجاره کامل هر متر مربع ۵۵ دلار می‌شود، یعنی برای اجاره یک ملک ۷۵ متری در جای متوسط شهر باید ماهیانه حدود ۴۰۰ دلار بپردازید که اگر با دلار ۵۰ هزار تومانی هم حساب کنیم، یعنی ماهیانه حدود ۲۰ میلیون تومان فقط برای اجاره بها باید بپردازید. فارغ از سایر مخارج ضروری که در این شهر گران خواهد داشت.

هزینه حمل‌ونقل در تهران

نرخ بلیط تک سفره مترو در تهران ۲۰۰۰ تومان و هر بلیط brrt برابر ۱۵۰۰ تومان و هر کورس

به تکثیر خوبی‌ها نیاز داریم

محسن زبانی | اقتصاددان

دلمان خون است اکنون، از ستمی که در جنگ غزه بر بی‌گناهان و غیرنظامیان رفت و همچنان می‌رود. اما از من و تو به عنوان یک فرد چه کاری ساخته است وقتی حکومت‌های جور و فریب همه جا را گرفته‌اند و ما قدرت مهار آنان را نداریم؟ در چنین احوالی چه باید کرد؟ البته اگر بتوانیم، و بدون آن که خود دست به ستمگری تازه‌ای بزنیم، می‌توانیم ستمگران را مهار کنیم یا تغییرشان دهیم و از این طریق جهان را جای بهتری برای زیستن کنیم. و البته برای مهار ستمگران باید بیشتر، خود را توانمند کنیم. اما وقتی نتوانیم چنین کنیم، چه کنیم؟ افسرده شویم؟ یا مهاجرت کنیم؟ یا خودکشی؟ هیچکدام! خواهیم کوشید تا با «صبر شادمانه» جهان را جای بهتری برای زیستن کنیم. برای مبارزه با بدی‌ها همیشه وقت هست، آنچه لحظه به لحظه دارد از دست می‌رود، تکثیر خوبی‌هاست. بدی‌ها جایی نمی‌روند، آنها می‌مانند تا بالاخره یا ما روزی قوی شویم و با آنها مبارزه و آنها را نابود کنیم یا با تغییر زمانه و تحول نسل‌ها نابود شوند. اما آنچه فرصت بی‌وقفه از دست می‌رود خوبی‌هاست که هر لحظه باید مراقبت کنیم تا از دست نروند. تمرکز ما بر مبارزه با بدی‌ها، نباید از تکثیر خوبی‌ها غافل‌مان کند. این که عالم‌پراز بدی است، بهانه خوبی برای رها کردن خوبی‌ها نیست. گاهی وقت‌ها هم، خود تکثیر خوبی‌ها، کم‌کم بدی‌ها را می‌شوید. گاهی نمی‌شود آب گندیده مرداب را تخلیه کرد، اما می‌شود نیلوفرهای آبی را تکثیر کرد. ما اکنون نیاز به تکثیر خوبی‌ها در بین خودمان داریم. (بر گرفته از کانال نویسنده: تیتراز افق اقتصاد)

تصویر تلخ اعتراض آب و هوایی اخیر در جنوب فرانسه یادآور مسئولیت تاریخی شرکت‌های نفت و گاز در قبال بحران کنونی گرمایش جهانی است. اخذ مالیات بر سودهای بادآورده بزرگترین آلاینده‌های جهان برای تأمین مالی انتقال خالص صفر هم از نظر اخلاقی قابل توجیه و هم از نظر اقتصادی معقول است.

به عنوان یک مدافع قدیمی حقوق بشر و محیط زیست، از فراوانی بی سابقه رویدادهای شدید آب و هوایی وحشت دارم. هر روز که می‌گذرد، به طور فزاینده‌ای آشکار می‌شود که ما در میان یک وضعیت اضطراری آب و هوایی در حال تشدید قرار داریم. بلایایی که نسل‌های گذشته آن‌ها را کتاب مقدس یا آخرالزمانی می‌دانستند، به حالت عادی جدید مابعد تبدیل شده‌اند.

این شامل سیل‌های ویرانگر و خشکسالی‌های شدید است که جان صدها نفر را گرفت و میلیون‌ها نفر را در اوگاندا و شاح آفریقا آواره کرد و سیل‌های اخیر که کل شهرهای لیبی را نابود کرد. این وقایع صرفاً اعمال طبیعت نبودند. بیش از نیم قرن است که می‌دانیم سوزاندن سوخت‌های فسیلی دمای سیاره را افزایش می‌دهد و تغییرات آب و هوایی عواقب فاجعه‌باری به همراه خواهد داشت. ما به هر حال در سوزاندن آنها اصرار داشتیم.

اما تصویر قابل توجه اعتراض آب و هوایی اخیر در جنوب فرانسه، که در آن فعالان اقلیم شعاری غول‌پیکر در محکومیت غول نفتی فرانسوی TotalEnergies در بستر خشک رودخانه آگلی ترسیم کردند، یادآور این است که برخی بیش از دیگران مسئولیت مخمسه فعلی ما را بر عهده دارند. یعنی تعداد انگشت‌شمار از کشورهای ثروتمند که بیشترین انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان را به خود اختصاص می‌دهند.

اما مقصر واقعی شرکت‌های سوخت فسیلی هستند که منابع زمین را غارت کرده و جوامع ما را به محصولات خود گره زده‌اند. به هر حال، شرکت‌های نفتی از دهه ۱۹۷۰ از پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های خود مطلع بودند اما ترجیح دادند این یافته‌ها را پنهان کنند و درباره تغییرات آب و هوا اطلاعات نادرست منتشر کنند. دمای رکورد شکنی و

اگر آب نیست، بگذار نفت بخورند!



بلایای بی سابقه‌ای که در سرتاسر جهان شاهد آن هستیم، نتیجه این انتخاب‌ها است.

برای توقف گرمایش زمین، باید وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی را کاهش داده و در نهایت از بین ببریم. همانطور که هیئت‌بین دولتی تغییرات آب و هوایی و آژانس بین‌المللی انرژی تأکید کرده‌اند، تنها راه برای انجام این کار پایان دادن فوری و بدون استثنا به تمام اکتشافات سوخت فسیلی است.

در نهایت، واضح است که هر چه بیشتر منتظر کاهش انتشار باشیم، رنج جمعی ما بیشتر خواهد شد. اما شرکت‌های سوخت فسیلی دیدگاه متفاوتی دارند. در یک پرونده نظارتی اخیر، کسون موبیل ادعا کرد که «بعید است که جامعه‌توزیل سطح زندگی جهانی مورد نیاز» را برای دستیابی به انتشار خالص صفر بپذیرد. علیرغم اینکه این شرکت‌ها از اثرات مخرب فعالیت‌های خود به خوبی مطلع هستند، دانشمندان آب و هوای خود را نادیده گرفته‌اند تا از سود کلان خود محافظت کنند - ۵۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲، برای ExxonMobil، که مدیرعامل آن ۳۶ میلیون دلار به جیب زد. TotalEnergies پروژه Tilenga

زندگی فعلی را از طریق انرژی پاک ایجاد می‌کنیم. انتقال سبزیک‌سازی نیست. این یک وعده است همانطور که مطالعات متعدد نشان داده‌اند، انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی می‌توانند برای میلیاردها نفر از جمله در کشورهای در حال توسعه انرژی خانه‌ها، ادارات، شهرها و صنایع ما را تأمین کنند. این تغییر میلیون‌ها شغل جدید ایجاد می‌کند، کیفیت هوا و آب ما را بهبود می‌بخشد و به کاهش بدترین اثرات تغییرات آب و هوا کمک می‌کند. علاوه بر این، کشورهای جوامع آسیب‌پذیر را قادر می‌سازد تا در برابر تهدید فزاینده رویدادهای شدید آب و هوایی سازگاری و انعطاف‌پذیری ایجاد کنند.

مطمئناً تأمین مالی این انتقال انرژی چالشی دلپره‌آور است که به ترکیبی از استراتژی‌ها و مکانیسم‌ها نیاز دارد. برای مثال، ابتکار بریج تاون، نخست وزیر بارباد، میا امور موتلی، از اصلاحات فوری معماری مالی جهانی حمایت می‌کند. به همین ترتیب، اجلاس اخیر آب و هوای آفریقا در نایروبی با فراخوانی مشترک برای مالیات جهانی کربن به پایان رسید.

ایده امیدوارکننده دیگری که توسط آنتونیو گوتش، دبیر کل سازمان ملل متحد و چندین اقتصاددان و فعال برجسته مطرح شد، پوشش هزینه‌های خسارات ناشی از اقلیم و گذار سبز با مالیات بر سودهای بادآورده شرکت‌های سوخت فسیلی است. در حالی که رهبران جهان برای کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل در نوامبر (COP۲۸) در امارات متحده عربی آماده می‌شوند، این پیشنهاد شایسته بررسی جدی است. پاسخگوکنگه داشتن بزرگترین آلاینده‌های جهان هم از نظر اخلاقی قابل توجیه و هم از نظر اقتصادی معقول است.

در میان شوک‌های سیاسی و اقتصادی بی‌شمار امروز، اعتراض آب و هوایی در رودخانه آگلی به طور قابل توجهی مورد توجه کمی قرار گرفت. اما امیدوارم که این تصویر قدرتمند مانند من در بین دیگران هم طنین انداز شود. بالاخره این سیاره تنها خانه ماست. با توجه به تهدید وجودی ناشی از تغییرات آب و هوایی، ما چاره‌ای جز مبارزه برای بقای آن نداریم.

ترجمه اختصاصی از project-syndicate

آن در اوگاندا و برابری در جوامع محلی به بار آورد و زمین‌های کشاورزی را با آب آلوده پر کرد، سال گذشته ۳۶ میلیارد دلار درآمد کسب کرد.

به همین دلیل است که عبارت همراه با نقاشی رودخانه فرانسوی «اگر آب نیست، بگذار نفت بخورند!» یک فریاد قدرتمند است. رفتار زیاده‌روی و بی‌ملاحظه شرکت‌های نفتی در چند دهه گذشته شباهت‌هایی با رژیم باستانی فرانسه تداعی می‌کند. درست همانطور که اشراف در مقابل تغییر در انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ مقاومت کردند، صنعت سوخت‌های فسیلی حاضر نیست از قدرت و نفوذ خود بگذرد و از تأثیر اقدامات آنها بر دیگران صرف‌نظر کند. برخلاف ادعای صنعت، انتقال به صفر خالص منجر به کاهش آبشاری استانداردهای زندگی نخواهد شد. مهم این است که هیچکس خواستار توقف ناگهانی استفاده از سوخت‌های فسیلی نیست. مدل‌های اقلیمی نشان داده‌اند که بهترین راه‌حل، ممنوعیت اکتشافات جدید و تغییر به سیستمی کارآمدتر است که تنها از بخشی از ذخایر موجود استفاده می‌کند، در حالی که زیرساخت‌های مورد نیاز برای حفظ استانداردهای



کانال

سرانه مصرف آب شرب استرالیایی‌ها دو برابر متوسط جهانی

بارندگی، آب شیرین موجود در استرالیا به میزان قابل توجهی کاهش یابد و فشار مضاعفی از این مسیر بر منابع آب وارد شود.

از جمله شهرهای بزرگ استرالیا که هم‌اکنون با تنش شدید آبی روبه‌رو هستند می‌توان به شهر پرت به عنوان بزرگ‌ترین شهر استرالیایی غربی اشاره کرد که پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آینده با مشکلات به مراتب بیشتری روبه‌رو شود و حوزه توسعه شهری رو به رشد

بررسی‌ها نشان می‌دهد در این کشور چیزی حدود ۱۴ درصد از مصرف آب شیرین در بخش خانگی مصرف می‌شود، ۱۶ درصد از آب در بخش صنعت به مصرف می‌رسد و ۷۰ درصد دیگر نیز صرف امور کشاورزی می‌شود.

اطلاعات مرتبط با جزئیات میزان مصرف آب در بخش خانگی نیز نشان می‌دهد که چیزی حدود ۴۰ درصد از این آب در بخش فضای باز خانه مانند باغچه استفاده می‌شود و بیش از ۸۳ درصد از میزان آب باقیمانده و مصرفی داخل خانه نیز صرف امور بهداشتی مانند حمام، سرویس بهداشتی و لیاسشویی می‌شود.

نکته مهمی که به نظر وب سایت «greenplanet» نشان می‌دهد در این کشور که با تنش آبی شدید رو به رو است، ظرفیت‌های بالایی برای صرفه جویی در بخش خانگی وجود دارد.

در ادامه این گزارش ضمن تأکید بر خسارت‌های جبران‌ناپذیر تشدید تنش آبی همانند ایجاد اشکال در حوزه مراقبت‌های بهداشتی، تأمین مواد غذایی، تأمین آب برای صنعت و تولید انرژی اشاره شده است که مردم استرالیا باید اقداماتی جدی برای صرفه جویی در مصرف آب را در پیش بگیرند. / کانال آب

استرالیا از جمله کشورهایی است که در سال‌های اخیر تحت تأثیر عواملی چون تغییر اقلیم با تنش آبی روبه‌رو شده است، کشوری با ۲۵ میلیون نفر جمعیت که برخی کارشناسان حتی وضعیت آبی آن را وخیم توصیف می‌کنند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (پاون)، تا سال ۲۰۴۰ میلادی آب کافی برای حفظ جمعیت جهان وجود ندارد. این جمله نگران‌کننده و خطرناکی است که محققان موسساتی مانند شرکت CNA ایالات متحده، دانشکده حقوق وومونت، و دانشگاه آرهوس مطرح می‌کنند و تأکید دارند که باید برای مقابله با این آینده ترسناک، همه کشورهای جهان دستور کارهای ویژه‌ای را با هدف صرفه‌جویی در مصرف آب در پیش بگیرند.

پایگاه تخصصی «greenplanet» در گزارشی درباره چالش‌های آبی بخش خانگی در استرالیا و راهکارهای مقابله با آن نوشت، میانگین بارش سالانه در استرالیا ۴۶۹ میلی‌متر است که البته این میزان بارندگی با پراکندگی مناسبی همراه نیست، همین موضوع سبب شده تا استرالیا به خشک‌ترین قاره‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند و منابع آب شیرین بسیار محدودی دارد، تبدیل شود.

بر اساس این گزارش میانگین مصرف آب در کشور استرالیا برای هر نفر در شبانه روز ۲۷۴ لیتر است که ۱۲۳ لیتر از متوسط مصرف جهانی بیشتر است و همین موضوع در تشدید تنش‌های آبی استرالیا به ویژه در سال‌های آینده مؤثر است.

کارشناسان عقیده دارند یکی از عوامل ایجاد بحران آب و تشدید آن در کشور استرالیا پدیده تغییر اقلیم است که انتظار می‌رود به دنبال این پدیده و تغییر الگوهای

گزارش

بهره‌وری آب در محصولات زراعی و میزان آب مصرفی برخی از محصولات آب‌بر

نام محصول	جدول ۱۱ بهره‌وری آب در محصولات زراعی کشت غالب	
	میانگین مصرف آب (لیتر در هکتار)	میانگین مصرف آب (میلیمتر متر مکعب) (انگلیز متر مکعب) (انگلیز متر مکعب)
گندم آبی	۲۲۹۷	۲۲۲۱
جو آبی	۷۶۹	۲۶۱
شکرک	۲۲۱	۲۷۰
لوبیا	۲۱۸	۲۵۹
پنجه‌فند	۱۵۸۲	۴۰۵۱
سبب زراعی	۵۲۲	۲۵۷۹
پنجه	۱۶۸۸	۱۶۷۷
ذرت مخلوط آبی	۲۲۶	۵۱۰۷
جمع میانگین	۶۸۰۴	۱۹۱۸۷

جدول فوق مربوط به کشت چند محصول کشاورزی در یک منطقه محدود است (مساحتی به اندازه ۶۸ هزار هکتار) که توسط جهاد کشاورزی مورد مطالعه قرار گرفته است و محصولاتی را بررسی کرده که در اکثر استان‌های فلات مرکزی

و عمدتاً درگیر با خشکسالی، کشت می‌شوند؛ این جدول به ما می‌گوید برای تولید و عمل آوردن یک کیلو سیب‌زمینی به طور متوسط ۱۸۹ لیتر آب باید مصرف شود؛ به تعبیر دیگر باید ۱۲۶ بطری آب معدنی یک و نیم لیتری مصرف کنیم تا یک کیلوگرم سیب‌زمینی برداشت کنیم. همچنین برای برداشت یک کیلوگرم چغندر قند یا شل‌توک به ترتیب ۲۱۱ و ۴ هزار لیتر آب لازم است!

در جدول فوق اگر حجم آب مصرفی در هر هکتار را در ۱۰۰۰ ضرب کنیم واحد به لیتر تبدیل می‌شود؛ حال عدد به دست آمده را بر میزان برداشت محصول در هر هکتار تقسیم می‌کنیم تا متوسط مصرف آب بر حسب لیتر برای برداشت یک کیلوگرم از هر محصول را بدست آوریم. فارس

گزارش

سوراج لایه ازون ۳ برابر برزیل شده است!

دانشمندان حدس می‌زنند که امکان دارد با فوران آتشفشان زیر آبی «تونگا» (Tonga) در ژانویه ۲۰۲۲ مرتبط باشد. انفجار این آتشفشان با قوی‌ترین آزمایش هسته‌ای آمریکا و بزرگ‌ترین انفجار طبیعی در بیش از یک قرن گذشته برابر بود.

داده‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهند که سوراج لایه ازون بر فراز قطب جنوب اکنون یکی از بزرگ‌ترین حفره‌های ثبت شده است و وسعت آن به سه برابر وسعت برزیل می‌رسد. دانشمندان مطمئن نیستند که چرا سوراج ازون امسال این قدر بزرگ است اما برخی از

سه ترفندی که وبسایت‌ها استفاده می‌کنند تا شما بیشتر خرج کنید!

وندی دلاروزا | متخصص علوم رفتاری



افق اقتصاد فروشنده‌های آنلاین از همه‌ی روش‌ها بهره می‌برند تا شما را از پول به زحمت بدست آمده‌تان جدا کنند. دانشمندان رفتاری، وندی دلاروزا، سه شگردی که باید مواظبشان باشید را نشان‌تان می‌دهد و این که چگونه می‌توانید به دامشان نیافتید را با شما به اشتراک می‌گذارد. این متن برگرفته از ویدئوی منتشرشده در پلتفرم تد است.

ترفند اول: گیمیفیکیشن

می‌کنید سطح دوپامینتان را بالا می‌برید. پس پیشنهاد من این است که از سوسه‌اش به طور کل دوری کنید با لغو اشتراک از همه‌ی ایمیل‌های خرید آنلاین. شما نمی‌توانید آن چه نمی‌بینید را بخرید و این ایمیل‌ها یادآور دائمی هستند که هدفشان با طعمه برگرداندن شما به سایت است با بازی‌سازی و حيله‌اش، وقتی که شما دلیلی ندارید به آن‌ها فکر کنید.

شما با سایتشان. و این نوع بازی‌سازی، در ذهن من بسیار خطرناک است. در یک آزمایش کلاسیک، موش‌های آزمایشگاهی بیشتر به احتمال کشیدن اهرم و دریافت قرص خوراکی جذب شدند تا قطعیت گرفتن غذا در یک زمان مشخص. و ما انسان‌ها هم همین‌طور هستیم. ما با احتمال بردن قرص می‌خوریم. مثل یک ماشین زتونی در وگاس، وقتی شانس‌تان را امتحان

یک حيله‌ی این وبسایت‌ها بازی‌سازی یا گیمیفیکیشن است و در آن وبسایت‌ها از طراحی بازی استفاده می‌کنند تا کاری کنند شما زمان و پول بیشتری در سایتشان خرج کنید. حال، بعضی سایت‌ها از یک چرخ مجازی استفاده می‌کنند تا شانس در تخفیفات آن روز داشته باشید. بعضی، می‌گذارند شما امتیاز وفاداری کسب کنید با توجه به تعامل

۲/۸ تریلیون دلار!

خرید و فروش آنلاین در سراسر جهان روبه افزایش است. در سال ۲۰۱۹ به تنهایی خریداران نزدیک به ۲/۸ تریلیون دلار به صورت آنلاین خرج کرده‌اند. و برای افزایش ممتد این روند، بعضی شرکت‌ها همه‌ی تابلوهای توقف را بیرون آورده‌اند تا توجه شما را جذب کنند تا بیشتر خرج کنید. برای کمک به شما در بدست آوردن کنترل فضای خریدتان من سه روش آن‌ها را برای شما می‌کنم و سه راه کارم را مقابل شما نشان‌تان می‌دهم.

ترفند دوم: کمیابی

می‌کنند، از وبسایت دور شوید، از ماشین دور شوید و یک شب بخوابید. این کمک می‌کند بفهمید آیا وسیله را واقعا می‌خواهید یا نه هر چه که برنامه داشتید بخرید. سایت را برای حداقل یک روز ترک کنید و ببینید که هنوز آن وسیله را می‌خواهید. این روش با مرورگر پنهان خیلی بهتر عمل می‌کند تا شما دیگر با تبلیغات برای آن محصول روبه‌رو نشوید به هر جا که می‌روید.

مدت زیادی موجود نخواند بود. تحقیقات نشان داده‌اند که تصور کم‌یاب شدن یک محصول می‌تواند ارزش آن را در چشم خریدار بالا ببرد و تمایل خریدار به خرید را نیز افزایش دهد. کمیابی هم چنین می‌تواند مردم را خودخواه کند و در رقابت بیاندازد. این کمک من به شما برای مبارزه با کم‌یابی است: وقتی کمیابی وسوسه‌تان

روش دوم فروشنده‌های آنلاین کمیابی است. خیلی سایت‌ها می‌گویند چه تعداد مشتری در حال دیدن همان وسیله هستند، و طوری نشان می‌دهند که آن وسیله بسیار پرطرفدار است، و احتمالاً سریع فروش می‌رود. وبسایت‌ها به همین صورت ثانیه‌شماری برای سبد خریدتان دارند که پیام را همین‌طور در چشم نشان می‌دهد که این وسیله‌های احتمالی دیگر

ترفند سوم: قسطی بخر!

پس این راه کار آخر من است: از همه مهم‌تر این است که از این پرداخت‌های قسطی استفاده نکنید. اگر تخفیف واقعی می‌خواهید، از افزونه‌های مرورگری می‌توان استفاده کرد که کمک می‌کنند قیمت بهتری پیدا کنید. فروش آنلاین، خرید کردن را بی‌نهایت آسان کرده است، ولی لازم نیست هر روز حس جمع‌های سیاه را داشته باشید. با اجرا کردن این راه کارها، شما می‌توانید به شگردها و حيله‌ها بی‌توجهی کنید، و دوباره کنترل فضای خریدتان را بدست بگیرید.

کوچک ماهیانه از نظر روانی هزینه‌ی آن جفت کفش ورزشی یا جین نو را کاهش می‌دهد. و این کلک روانی به معنی این است که شما برای خرید بیشتر ترغیب می‌شوید. و هر چند با یک کارت اعتباری متفاوت به نظر می‌آید شما باز هم به این شرکت‌ها بدهکارید. پس در پایان روز باز هم بدهی خواهید داشت و احتمالاً پرداخت‌های عقب افتاده و سود روی هم خواهد آمد و شما می‌بینید که از قیمت اصلی آن جین بدهکارتر شده‌اید

روش سومی که شرکت‌ها استفاده می‌کنند امکان پرداخت قسطی است. تعدادی از سایت‌های تجارت الکترونیک روش‌های پرداختی دارند که به شما اجازه می‌دهد پول یک وسیله را دیرتر پرداخت کنید. حال، برنامه‌های اقساطی زمانی مفیدند که شما وسیله‌ای بزرگ و گران را می‌خواهید تعویض کنید مثل یک یخچال خراب. ولی من فکر می‌کنم این پرداخت‌های قسطی شما را شکار می‌کنند وقتی که وسیله‌ای غیراورژانسی و غیرمهم را خریداری می‌کنید. نگاه کردن به پرداخت‌های

دیفای چیست و چه کاربردهایی دارد؟

محمد آذرنیوار

مفهوم دیفای (DeFi) مخفف Decentralized Finance

به معنای امور مالی یا فایننس غیر متمرکز است. دیفای به مجموعه‌ای از اپلیکیشن‌های غیر متمرکز (DApp) بر بستر بلاک چین اشاره دارد که قصد دارند همان خدمات پولی که بانک‌ها ارائه می‌کنند را به صورت غیر متمرکز و بدون نهاد یا واسطه در معاملات ارزهای دیجیتال ارائه دهند. از جمله این خدمات پولی می‌توان به وام‌دهی و وام‌گیری غیر متمرکز، سهام‌گذاری (استیکینگ) و بیلد فارمینگ (کشت سود) اشاره کرد.

مدت‌هاست که بانک‌ها و سازمان‌های متمرکز بر دنیای مالی تسلط دارند. امروزه اگر بخواهید وام بگیرید، خرید و فروش کنید و یا اقساط و مالیات خود را پرداخت کنید، مجبور هستید به بانک، دولت یا دیگر سازمان‌های متمرکز مراجعه کنید.

در تمام جهان، مردم هر لحظه به دولت‌ها اعتماد می‌کنند با این

فرض که دولت‌ها پاک هستند و با کمک آنها از ارزش پول‌های ملی محافظت می‌شود. مردم دنیا به بانک‌ها اعتماد می‌کنند با این فرض که امانت‌دار درست کار پول‌هایشان هستند. هر لحظه به شرکت‌های واسطه اعتماد می‌کنند با این امید که خدمات مالی بدون نقص دریافت کنند.

اما تاریخ نشان داده است واسطه‌های متمرکز می‌توانند مرتکب فساد یا خطای غیر عمدی شوند. حوزه امور مالی غیر متمرکز آمده است تا با استفاده از بلاک چین و مفهوم عدم تمرکز، فساد، خطای غیر عمدی و نیاز به اعتماد متمرکز را از بین ببرد.

همچنین می‌توانیم دیفای را این‌گونه تعریف کنیم: جنبشی برای ایجاد یک اکوسیستم خدمات مالی متن‌باز، بدون نیاز به مجوز و شفاف که برای همه قابل دسترسی است و بدون واسطه مرکزی کار می‌کند. به این ترتیب، کاربر کنترل کامل بر دارایی خود دارد و با اکوسیستم از طریق برنامه‌های غیر متمرکز ارتباط برقرار می‌کند.



دیفای با هدف بزرگی که دارد می‌تواند در کنار بلاک چین به عنوان یکی از نوآوری‌های امیدوارکننده عصر دیجیتال در نظر گرفته شود.

کاربردهای دیفای

کاربردهای دیفای بسیار گسترده است و اغلب بخش‌های دنیای مالی می‌توانند از مزایای دیفای بهره‌مند شوند. با این حال، سه کاربرد اصلی دیفای شامل موارد زیر هستند:

- دریافت وام و وام‌دهی
- خدمات بانکی پولی
- صرفای غیر متمرکز

رئیس صندوق بین‌المللی پول هشدار داد: احتمال تقسیم جهان به بلوک‌های اقتصادی متخاصم



گورگ میرزاییان

سیاره ما دستخوش تحولی عظیم است. رئیس صندوق بین‌المللی پول هشدار داد: پس از دهه‌ها ادغام جهانی، این خطر فزاینده وجود دارد که جهان به بلوک‌های اقتصادی متخاصم تقسیم شود. چرا این اتفاق می‌افتد، جهان آینده چگونه خواهد بود و روسیه چه جایگاهی در آن خواهد داشت؟ جهانی شدن تا همین اواخر، این کلمه یک اعتقاد واقعی برای کل جهان مترقی بود. جهانی شدن، اوج تکامل جامعه بشری اعلام شد که از ساختارهای قبیله‌ای تا درک هویت مشترک، سرنوشت مشترک و رفاه مشترک راه درازی را طی کرده است. و اگر جهانی شدن بر اصول امنیت تفکیک‌ناپذیر، همکاری اقتصادی عادلانه، چند فرهنگی و احترام متقابل استوار بود، شاید چنین بود. شاید، تمدن بشری واقعا، این قله تکامل اجتماعی را فتح می‌کرد. به جای اصل امنیت تقسیم‌ناپذیر، اصل مداخلات

بشردستانه و غیره مطرح شد. غرب (و بالاتر از همه، ایالات متحده آمریکا) سایر کشورها (یوگسلاوی، عراق، لیبی، ایران، چین و دیگران) را به زور، مجبور به پذیرش قوانین بازی سیاسی و اقتصادی مورد نیاز خود کرد. جای تعجب نیست که جهانی شدن در این قالب شکست خورده است و سپس، گروهی از قدرتمندترین کشورهای جنوب جهانی (عمدتا کشورهای بریکس) از ایجاد مدل‌های توسعه جایگزین حمایت کردند. در نتیجه، جهانی شدن به تدریج، با منطقه‌ای شدن جایگزین می‌شود. همکاری میان کشورهای همسایه که عمیق‌تر درک می‌کنند، بیشتر احترام می‌گذارند و بیشتر به یکدیگر وابسته هستند. به ویژه، همین روسیه در حال ادغام در چارچوب فضای پس از شوروی است. آمریکا شروع به از دست دادن رقابت‌پذیری کرده است. این کشور شروع به درک این موضوع کرده است که کشورهای دیگر، به لطف جهانی شدن، سریعتر و با موفقیت در حال توسعه هستند. خود

امریکا با واقعیت غیرصنعتی سازی مواجه است. امریکایی‌ها زمانی روابط سرمایه‌گذاری و تجاری را تقویت کردند، اقتصادهای بازار را در چین، روسیه و سایر کشورهای در حال توسعه توسعه دادند، اما این توسعه را عمدتاً از منشور تغییر دولت‌ها در جهت لیبرال دموکراتیک می‌نگریستند. هر جهانی سازی حدی دارد و پس از هر نوبت، عقب‌گردی به دنبال دارد. با این وجود، گروه‌های ادغام منطقه‌ای که اکنون، در سراسر جهان شکل می‌گیرند، باید همچنان به قواعد بازی مشترک و همکاری بین منطقه‌ای علاقه‌مند باشند. امریکا با کمک سیاست‌های حمایتی و همچنین با کمک مکانیسم‌های اداری، زنجیره‌های تولیدی و تکنولوژیکی خود را به کشورهای دوست نزدیک می‌کند. کشورهای غیرغربی سیاست متفاوتی را دنبال می‌کنند. بقیه جهان همچنان، به جهانی شدن ادامه می‌دهد. در زمینه‌ای از مشی واشنگتن، این کشورها ناگزیرند، نه با غرب، بلکه در بین خود ادغام

شوند، به ویژه با روسیه. در غرب، جایی برای روسیه وجود ندارد. بنابراین، جای روسیه همان جایی خواهد بود که با کمک زور، دیپلماسی و اقتصاد، آن را برای خود بخرد. اما، در هر صورت، روسیه با چین، هند، جهان عرب و آفریقا دوست خواهد بود. در نتیجه، زمانی به وجود می‌آید که یک رویارویی بین بلوک‌های در امتداد خط غرب جمعی - جنوب جهانی به وجود می‌آید. رویارویی که یکی از عناصر آن به ویژه، عملیات نظامی ویژه در اوکراین است. این روند، راهی برای وادار کردن دشمن به توقف تلاش برای به بردگی کشیدن اقتصاد ماست. در واقع، نبرد در اوکراین، یک جنبش آزادی‌بخش ملی کلاسیک علیه استعمارگران است که در سال ۲۰۱۴ میلادی، یک دولت دست‌نشانده را برای روس‌ها و اوکراینی‌ها انتخاب کردند. اکنون، روس‌ها و اوکراینی‌ها برای آزادی خود علیه ناتو و نیروهای بومی خود می‌جنگند.

وزیرکلیاد (روسیه) / دیپلماسی ایرانی

مسابقات هانگژو نمونه موفق پکن موفقیت چین در استفاده از دیپلماسی فرهنگی - ورزشی



بهره‌مندی اقتصادی از نمادسازی

در این مسابقات از سه عروسک به نام کنگ کنگ، لیان لیان و چن چن به عنوان نماد این مسابقات استفاده شد. عروسک‌های جذابی که در تمام سطح شهر و در محل حضور ورزشکاران و خبرنگاران خودنمایی می‌کردند. چینی‌ها با علم به محبوبیت و استقبال زیاد مخاطبان از این عروسک‌ها، تصاویر این عروسک‌ها را بر روی اشیای مختلفی همچون لیوان، لباس، لوازم التحریر و... چاپ کردند و این اشیای با قیمت‌های گزافی فروخته می‌شد. تنها قیمت این سه عروسک در ابعاد ۴۰ سانتی متری، معادل ۷ میلیون تومان در ایام مسابقات به فروش می‌رسید. علاوه بر مزایای اقتصادی به دست آمده، چین با کسب رکورد ۲۰۱ مدال طلا در مسابقات هانگژو (۲۰۲۲) توانست عملکردی درخشان و تاریخی در مسابقات خود نشان دهد که نشان از موفقیت چینی‌ها و بهره‌مندی بسیار ویژه از ظرفیت میزبانی بوده است.

در دنیای امروز اهمیت ابعاد نرم قدرت و جایگاه آن در روابط بین‌الملل بر کسی پوشیده نیست. شاید در صد سال گذشته کمتر کسی گمان می‌برد که ورزش هم می‌تواند نقشی پررنگ در دیپلماسی ایفا کند و زمینه رشد و توسعه را فراهم نماید. چین می‌تواند الگوی مناسبی در مسیر توسعه ورزشی و تصویرسازی ورزشی برای سایر کشورهای در حال توسعه باشد.

دیپلماسی ایرانی

سیاست جاذبه‌های گردشگری استان‌های مختلف خود را به نمایش می‌گذارد و توانمندی خود در برگزاری چنین رویدادهایی را به منصه ظهور می‌گذارد.

برگزاری این رویداد بین‌المللی با میزبانی حدود ۱۵ هزار ورزشکار و مربی، هزینه‌های زیادی را تحمیل می‌کند، اما از طرفی آورده‌های فرهنگی-اقتصادی بسیاری که از فروش میلیونی بلیط تماشاها بازی‌ها، جذب گردشگران و در نهایت ایجاد مشاغل صنایع خلاق به دست می‌آید، می‌تواند پاسخی خوبی برای منطق هزینه‌فایده باشد. البته مهم‌ترین دستاورد چین از برگزاری رویدادهای ورزشی به دست آوردن مزایای اقتصادی نیست؛ چین بدون برگزاری بازی‌های آسیایی هم سهم بزرگی از اقتصاد جهان را دارد. هدف والا تر نشان دادن فرهنگی قوی، سطح بالای تکنولوژی و فناوری و در نهایت کشوری قدرتمند در ابعاد مختلف است که می‌تواند اعتماد سایر کشورها را برای همکاری‌های بین‌المللی جلب کند؛ و به عنوان بازیگر قدرتمند بین‌المللی به ایفای نقش بپردازد و حوزه نفوذ خود را روز به روز پررنگ‌تر کند.

سبزترین بازی‌های آسیایی تاریخ

در این دوره از برگزاری بازی‌ها با وسواس خاصی از تکنولوژی‌های کم کربن و دوستدار محیط زیست استفاده شد که مشعل الکتریکی و استفاده از آب باران، از بارزترین این اقدامات است. نظم مثال زدنی چین در برگزاری این رویداد هم نکته‌ای قابل تأمل بود که توجه خبرنگاران و رسانه‌ها را به خود جلب کرده بود. چینی‌ها برای هر اتفاقی از قبل چاره‌اندیشی کرده بودند. این چاره‌اندیشی در برگزاری مراسم افتتاحیه به خوبی دیده شد. چینی‌ها برای مراسم افتتاحیه احتمال بارش باران می‌دادند و به همین منظور در رسانه‌های خود اعلام کردند که در صورت بارش باران در مدت زمان تنها یک ساعت، همه مراسم افتتاحیه را به استادیومی سرپوشیده منتقل خواهند کرد. این نظم و برنامه‌ریزی دقیق، بازنمای تصویری است که آنها در حاشیه برگزاری بازی‌ها، به جهان بین‌الملل مخابره می‌کنند.

بیست و ششم مهر ماه در تقویم شمسی روز ورزش و تربیت بدنی

مآئده هنجار | کارشناس روابط بین‌الملل

است. به همین بهانه به یکی از موفق‌ترین الگوها در دنیای ورزش پرداختیم و ابعاد گوناگون آن را در ادامه بررسی خواهیم کرد. در قاره کهن، کشور چین یکی از بهترین عملکردها در حوزه ورزش داشته است و دارد. چین با اتخاذ سیاست‌ها و هدف گذاری‌های مناسب توانسته از ظرفیت مؤلفه‌های نرم قدرت همچون فرهنگ و ورزش به خوبی استفاده کند و آن را در جهت رشد اقتصادی به کار برد؛ اما متأسفانه چیزی که در جامعه ما رایج است، پرهزینه و غیر قابل برگشت بودن سرمایه‌گذاری در زمینه ورزش است. مقوله‌ای که سرمایه‌گذاری در این حوزه را به امری ترسناک و پرریسک تبدیل کرده است. ورزش به جز آثار فراوان و مثبتی که بر سلامت روحی و جسمی جامعه دارد، می‌تواند صرفه‌های اقتصادی نیز داشته باشد، و مرحله بالاتر آن ایجاد دیپلماسی فرهنگی از درجه ورزش است. چینی‌ها با قبول میزبانی‌های متعدد مسابقات ورزشی و بین‌المللی نگاه‌های زیادی را به سمت خود می‌کشند. آنها فرهنگی سرشار از احترام متقابل، نظم، فناوری، زیبایی بصری و تکنولوژی را از خود به نمایش می‌گذارند و از فرصت چنین مسابقاتی برای صدور فرهنگ چینی استفاده می‌کنند. نوزدهمین بازی‌های آسیایی هانگژو (۲۰۲۲) به دلیل انتشار ویروس کرونا یک سال تاخیر در مهر ماه امسال در شهر هانگژو چین برگزار شد و کشور چین توانست نمونه موفق دیپلماسی فرهنگی - ورزشی را در این رویداد بین‌المللی به نمایش بگذارد که در ادامه به ابعاد مختلف آن خواهیم پرداخت.

معرفی پتانسیل‌های گردشگری بابرگزاری مسابقات ورزشی

یکی از سیاست‌های ورزشی چین برگزاری رویدادهای مهم ورزشی در شهرهای مختلف این کشور و عدم تمرکز بر شهری خاص است. چین از سال ۲۰۰۰ تاکنون بارها میزبان مسابقات مهم ورزشی بوده که المپیک ۲۰۰۸ پکن، بازی‌های آسیایی گوانگ‌ژو و هانگژو در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۲ از مهم‌ترین آنهاست. چین با این

رابطه بین تمرکز ذهن و موفقیت



دکتر محمود سریع القلم | استاد دانشگاه



یکی از شرایطی که زمینه ساز توسعه یک جامعه می‌شود، فرصتی است که به افراد داده می‌شود تا «خاص بودن» خود را پرورش داده، استعداد خود را کشف کرده و به ظهور برسانند. به میزانی که دخالت دولت در کلیت یک جامعه افزایش یابد، فرصت رشد فردی و خاص بودن کاهش می‌یابد. چهل سال پیش، حکومت چین تصمیم گرفت فرصت خاص بودن در فعالیت اقتصادی را به مردم اعطا کند و نتیجه آن افزایش درآمد سرانه از ۲۰۰ به ۲۰۰/۱۰ دلار شد. اطلاق این Benchmark به کشورها به روشنی وضعیت آنها را مشخص می‌کند. بی دلیل نیست که حتی در مقایسه با ژاپن، آلمان و انگلستان، آمریکا نوآورترین جامعه در تاریخ بوده است. هر فردی وظیفه دارد مسیر و افق خود را مشخص کند. به دولت اتکا نکنند. اقتدار آزادی عمل دارد تا تلاش کند و به هدف خود برسد. از فکر جدید داشتن، اشتباه کردن، شکست خوردن، فراز و نشیب‌ها را طی کردن هراسی نداشته باشد. کافی است به تاریخ صنعت هواپیما در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توجه کرد. حدود ۲۰۰ نفر طی بیست سال تلاش، بالاخره هواپیما را به پرواز آوردند. نه دولت دخالت کرد و نه گروهی مانع شد. بانک‌ها و افرادی که می‌خواستند خاص باشند صنعت هواپیمایی را به راه انداختند. هر چند اروپایی‌ها در علوم و Science، دانشمندان فراوانی از سال‌های ۱۷۰۰ به بعد داشته‌اند، ولی عموم فن‌آوری‌ها از علم به تولید، در آمریکا تحقق یافته و از اختراع برق تا چاپ سه بعدی طی چهار دوره صنعتی شدن در آمریکا بوده است. در آمریکا است که فرید زکریای هندی، ادوارد سعید فلسطینی، هنری کیسینجر آلمانی، دارا خسروشاهی متولد تهران و ایلان ماسک آفریقایی جنوبی، فرصت تبلور استعداد و «خاص بودن» را پیدا کرده‌اند. هر چند کانادا، انگلستان و استرالیا تاحدی این ظرفیت را دارند ولی هیچ کشوری به اندازه آمریکا به فرد فرصت شکوفایی در علم، هنر، ورزش، تجارت، سیاست، تولید و آنچه توان ذهنی و باطنی اوست را نمی‌دهد. با مذهب، جنسیت، نژاد، فرهنگ، محل تولد، لهجه و روحیات فرد کاری ندارند، بلکه می‌پرسند: چه میدانی؟ چه هنری داری؟ کدام کار را به خوبی و نهایت دقت و کارآمدی میتوانی انجام دهی؟

اینکه با انسان اینگونه برخورد شود طبعاً ناشی از تعاریف خاص در فلسفه و فرهنگ یک جامعه است که در ناخودآگاه نظام اجتماعی و اقتصادی آن نهادینه شده است. به عنوان مثال، روسیه طی ۹۰۰ سال سابقه تاریخی، در هیچ مقطعی علی‌رغم وسعت و منابع طبیعی بی نظیر، نتوانسته چنین فرهنگی را بسازد. در روسیه تزار، شوروی و فدراسیون روسیه، فرد معمولاً در حال انطباق فکر و عمل خود با دولت و حکومت زندگی کرده و خروجی آن ترس، امتناع و عقب ماندگی بوده است. چین، اندونزی، سنگاپور و ویتنام، حداقل در فعالیت اقتصادی به فرد فرصت داده‌اند و جواب گرفته‌اند. در سنگاپور، مسئولان یک دبیرستان با هم‌اندیشی اولیای دانش‌آموزان، فرآیندی را طراحی می‌کنند تا در ۱۴-۱۵ سالگی، استعداد فرد را شناسایی کنند و او را در مسیر تبلور آن استعداد یاری بخشند. اگر دانش‌آموز مهارت‌های هنری دارد، او را ملزم نمی‌کنند که حتماً باید مهندسی برق بخواند. اگر دانش‌آموز دیگری در یک ورزش خاص استعداد فوق‌العاده‌ای دارد، در فضای جامعه و خانواده، او را مجبور نمی‌کنند که باید در پزشکی مدرک بگیرد. این سیستم آموزشی باعث می‌شود هر

فردی، فرصت شکوفایی استعداد خود را پیدا کند. نتیجه آن می‌شود که سنگاپور با ۵/۵ میلیون جمعیت، منابع صفر و مساحتی معادل شهر تهران، تولید ناخالص داخلی فراتر از ایران داشته باشد. این نویسنده از دوران دبیرستان خود آموخته که جذاب‌ترین و آموزنده‌ترین بخش یک کتاب‌فروشی، بخش زندگینامه (Biography) است به طوری که شخصی در ۲۰۰-۳۰۰ صفحه، ده‌ها درس و رموز زندگی را به مخاطب منتقل می‌کند. طی چند دهه و مطالعه چند صد بیوگرافی از دانشمندان، مخترعین، هنرمندان، سیاستمداران و اقتصاددانان، یک نکته مشترک قابل تامل و عمومی در طیف متنوع این زندگینامه‌ها قابل مشاهده است: افرادی که در زندگی موفق بوده‌اند، به این معنا که جواب گرفته‌اند، ابداعی کرده‌اند، خلاقیتی نشان داده‌اند، ساختاری بنا کرده‌اند، گره‌ای باز کرده‌اند، میراثی به جای گذاشته‌اند، آجری روی آجر چیده‌اند، علاوه بر ویژگی‌های متعدد، یک ویژگی مشترک و منحصر به فرد داشته‌اند: در کار و فعالیت و زندگی خود «تمرکز» داشته‌اند. بدون تمرکز نمی‌توان خاص بود و نمی‌توان فرآیندی طی کرد تا اثری به جای گذاشت. متمرکز بودن، سیستم داشتن، پایدار بودن، استمرار داشتن، حوصله داشتن، خسته نشدن، صبور بودن، افق داشتن، فراز و نشیب‌ها را تحمل کردن و اعتماد به نفس داشتن، ضرورت رشد فرد، نهاد، بنگاه، جامعه و کشور است. ساختار اجتماعی و دولتی در تحقق این اصل بسیار تعیین کننده است. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، کانونی ترین مانع پیشرفت و خلاقیت افراد، نهاد دولت است. عموم کشورهای آسیایی دموکراتیک نیستند ولی حداقل در فعالیت‌های اقتصادی دست مردم را باز گذاشته‌اند. یکی از ویژگی‌های منطقه خاورمیانه، تمایل شدید فرهنگی نسبت به کنترل فرزند، کارمند، شهروند و کلاً زیر مجموعه است و این باعث می‌شود نوآوری‌های افراد به حداقل برسد. ساختار یک جامعه و حکومت هم می‌تواند مانع باشد و هم مشوق. در مسابقات اسب دوانی، پوششی از چرم (Blinders) را بر روی سر اسب می‌گذارند تا اسب فقط به جلو نگاه کند و در حین دویدن و مسابقه، به چپ و راست نگاه نکند و انرژی خود را رو به جلو و افق پیش ر معطوف کند.

اگر فردی، بنگاهی و یا حکومتی نتواند میان منابع و انرژی و استعداد از یک طرف و دقت، سازماندهی، برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و بهره‌وری از طرف دیگر، ارتباط معقول برقرار کند، طبیعی است که دائم در فراز و نشیب، عدم توازن و بلکه هرج و مرج غوطه ور شود. بدون اولویت بندی و یک، دو، سه کردن امور نمی‌توان از کار و زندگی جواب گرفت. به همین واسطه، افراد، بنگاه‌ها و دولت‌ها لازم است در روز ده‌ها بار «نه» بگویند تا در مسیر فکر شده و متمرکز خود باقی بمانند. در اوایل دهه ۱۳۵۰، دولت در ایران اعلام کرد که کشور باید سهم مهمی در تأمین امنیت اقیانوس هند ایفا کند. این در شرایطی بود که ۶۰۰۰ روستا از آب آشامیدنی محروم بودند و حتی نیمی از زنان کشور، سواد خواندن و نوشتن را نداشتند. اولویت‌ها را چگونه باید تعیین کرد؟ یک، دو سه یک کشور چیست؟ یک، دو سه یک بنگاه اقتصادی چیست؟ یک، دو سه یک فرد چیست؟ چگونه یک شهروند می‌تواند با ده‌ها شغل هم‌زمان، تمرکز، کارآمدی و جواب گرفتن از زندگی را داشته باشد؟ بودجه یک کشور چگونه طراحی و تنظیم می‌شود؟ انگلیسی‌ها می‌گویند یکی از راه‌های شناخت یک فرد این است که چگونه پول خود را خرج می‌کند. چرا سوییس خاص است؟

چون حدود خود را می‌شناسد. چرا روسیه مشکل دارد؟ چون فراتر از توان اقتصادی خود، ادعا دارد. چرا شرکت‌ها ورشکسته می‌شوند؟ چون اولویت‌های خود را تشخیص نمی‌دهند، شرایط را دقیق نمی‌سنجند و میان منابع و اهداف، تعادل برقرار نمی‌کنند. چرا یک شنبه به پول و ثروت رسیدن، خیلی‌ها را گرفتار می‌کند زیرا فرآیندها را طی نکردند. یکی از نکات برجسته‌ای که این نویسنده یکبار از هانس-دیتریش گنشر (Hans-Dietrich Genscher)، وزیر خارجه اسبق آلمان شنید این بود که: یک سیاستمدار باید تشخیص دهد چه وقت از قدرت کناره‌گیری کند. گنشر در اوج قدرت خود زمانی که دو آلمان متحد شدند و او را همگان معمار وحدت آلمان شناخته بودند از وزارت خارجه کناره‌گیری کرد. این تفاوت بین سیاستمدار آلمانی و جهان سومی است: در جهان سوم، اکثر سیاستمداران به سیاست علاقه دارند چون می‌خواهند خوب زندگی کنند. اما در آلمان، سیاستمداری یعنی حل مشکلات و باز کردن گره‌ها. نلسون ماندلا علی‌رغم اصرار نخبگان سیاسی و عامه مردم، از شرکت در دوره دوم ریاست جمهوری امتناع کرد و گفت: یک دوره پنج ساله برای انتقال به جمهوریت کافی است. می‌خواهم کار عام المنفعه انجام دهم؛ دیگران بیایند مدیریت کنند. شناخت اولویت‌ها و حفظ تمرکز، یک هنر خارق‌العاده انسانی است. هم اکنون ماندلا شخصیتی ماندگار در سطح جهانی است. او متوجه شد که «خاص بودن» او در بیرون ماندن از قدرت است. از این رو، چقدر یک فرد، یک بنگاه اقتصادی، یک نهاد مدنی و یک حکومت باید فکر کند، مشورت کند، بحث کند، طوفان مغزی (Brainstorming) به پا کند، گوگل کند، جدل کند، مناظره کند، کتاب بخواند و خط خطی کند تا به فرمول و معماری «خاص بودن» و «تمرکز» خود برسد و با سنجش و Navigation مرتب شرایط محیطی، آن تمرکز را حفظ کند. بخش بودن ذهن، آفت و مانع بزرگی برای رشد است زیرا از تمرکز انرژی جلوگیری می‌کند. بخش بودن فعالیت‌های یک دولت نیز به موفقیت آن نمی‌انجامد.

چگونه می‌توان از بخش بودن ذهن افراد و یک نظام اجتماعی جلوگیری کرد؟ تجربه بشری می‌گوید به میزانی که استخدام کننده اصلی در یک کشور نزد بخش خصوصی باشد به همان میزان، افراد و سیستم اجتماعی می‌آموزند تا میان منابع و اهداف، توازن برقرار کنند. بخش خصوصی است که سیستمی می‌فهمد، متوجه زمان است، منابع را بهینه سازی می‌کند، هدفی خارج از واقعیت تعیین نمی‌کند، می‌گوید اشتباه کردم، اول به همسایه صادر می‌کند بعد به بولیوی، هزینه حساس است، کار از هشت صبح شروع می‌شود، پرسنل با بربری سر کار نمی‌روند بلکه صبحانه را منزل می‌خورند، باید به سهام داران پاسخگو باشد، مدیری کار دان نباشد باید استعفا دهد، با احساسات تصمیم نمی‌گیرد، با اعداد و ارقام تحلیل می‌کند، مرتب به آینده فکر می‌کند، معنای رقابت را درک می‌کند، رضایت مصرف کننده برای او جدی است، اگر دروغ بگوید اعتبار و سهم بازار خود را از دست می‌دهد و در نهایت با واقعیت مدیریت می‌کند. بهترین گواه این تحلیل جایگاه آلمان، چین، آمریکا، ژاپن و کره جنوبی در نظام جهانی است. در این کشورها، جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها و استفاده بهینه از منابع، تحت تأثیر بنگاه‌داری اقتصادی است. در تاریخ این کشورها، تمرکز ذهنی و عملی در اقتصاد به تمرکز ذهنی و عملی در سیاست انجامیده است. شهروندان در این فضا، با ذهن‌های متمرکز پرورش پیدا می‌کنند.